

کوشش نامشخص

تشیکیل

شورای عالی کردستان

دو روزی که آقای نوام السلطنه زمام امور مملکت و در دست گرفت ، کشور ما ، بجز برای ترین ایام خود را می گذراند ، علاوه بر کارها ما چه از لحاظ سیاسی خارجی و چه از نظر امور داخلی چنان بهم ریخته و در دوام بود که امکان اصلاح و موفقیت بسیار بسیار مشکل بنظر میرسد .

در این روزهای سخت بود که حتی آقایان هم که از زمامداری آقای نوام السلطنه بیگم داشتند ، جز این چاره ندیدند که از راه امور مملکت را به او سپارند . نوام السلطنه با تشکیلی موقت به نام مملکت و سازمان مملکت لیون مسئولیت کرد و با وجود تشکیلی ناپدید تمام اولفان خود را صرف خدمت نمود ، موفقیت های که در این مدت کوتاه بدست آورد به او هجرت جهانی داد و نمایش کرد زیرا در حال بر جسته و سیاحتگران بزرگ دنیا پیششار نمود .

دانشه و بیضانه مورد توجه واقع نگردیده امروز مسانطور که مسیانه از دولت آقای نوام پستیانی مسیانه ، اظهار دارند که در بهبود اوضاع آن نیز شخص آقای نوام السلطنه توجه خاصی مینماید دارند و با دلگرمی و امیدواری کاملتری در انجام برنامه های اصلاحی ایشان کوشا باشند .

امروز کردستان بازنده اصلاحات فوری است . امروز مردم کردستان درخواست های مشروعی دارند که باید رسیدگی شود .

اروز با اوضاع کردستان باید ساد دقت کامل توجه داشت . امروز کردستان موفقیت سیاسی بسیار مهمی دارد .

برای خاتمه دادن به نا ارامی های عمومی ایران پیش بینی هر که

امروز باید کلیه امور مهمه و اساسی کردستان در دست سازمان واحد متمرکز شود . برای اینکه تشکیل شود **شورای عالی کردستان** بسیار ضروریست . امروز شاید اطلاعاتی که اواسط دولت از گزارش کردستان در قطع مارت باشد . اطلاعاتی نظامی ، اطلاعات وزارت کشور بسیار ناچیز و سطحی است و زواریت خارجه شاید از لحاظ سیاست خارجی اطلاعات جامعی راجع به وضعیت کردستان بدست نمانده باشد . در صورتی که کامل بودن این اطلاعات و نیز از آن لحاظ پرسوگی و وحدت موضوع حسنی و ضروریست هر اقدام اساسی که در کردستان لازم شود عملی گردد با در نظر گرفتن وضع سیاست خارجی ، از توجه ناچیز و وضع عمومی و طبق بک برنامه صحیح و درستی که زاننده مگر چند نفر مطلع و وطن پرست باشد باید انجام گیرد . اگر اقدامی فوری بر زمین آید باید در تمام جزایر نتیجه عاید خواهد داشت .

اینست که ما ناکید می کنیم لازمست کلیه اطلاعات و نظریات راجع به کردستان در سازمانی که نامشرا می تواند ، شورای عالی کردستان ، گذاشت تا هر که داده شود .

و برای اینکه تشکیل این شورا سهو نباشد ، در ضمنی گفتند که این شورا برای اخذ تصانیف بر پایه کرد ها وجود آمده عضویت چند نفر از مسلمین کرد در آن ضروریست . زیرا ملازمین

اعضای آن که از بودت آنها دستور دادند و انکار باب می شود ، آنها را بشکوه و عذاب و درد دل های مردم آزار بخشند مردم بدون ملاحظه ناراحتی های خود را با تانمی که بدست در صورتیکه احداث نامه به کهن اظهارات و با مومنین دیگر دولت بنمایند .

ز وجود هیچ چینه غمزه ، نمانده خود اگر از هفتده کارهای بزرگ و مهم ساخته است که از وجود مأمورین دولتی هر مردم عالی مقام و صاحب المل و وطن پرست باشد ساخته نیست .

بک چنین شورائی با جهت ریاست عالی شخص سخت زوری و با در ساد مستقیم با نفعت وزیر باشد .

اصطفا این خورا مبارک خواسته بود از یک امر عالی رتبه لشکری ، یک صاحب منصب عالی رتبه وزارت امور خارجه که صاحب منصب عالی رتبه وزارت کشور و ۳ نفر از مزمزمین کرده بود اعداد و احترام اکراد باشند . سر فرما صاحبان لشکری و کتوری باید از زبان خزانده ترین - در دستکاترین و وطن پرست ترین کلانمندان دولت انتخاب شد ، و با مطلع و بعد با اوضاع کردستان باشد .

این خود باید سیاست کردستان را در دست گرفته ، با اخذ اختیاراتی باشد که دستورات لازمه را بکافی و در تمام اعماد و سازمان های دولتی راجع به کردستان داده عمل و نصب و تیریز و تبدیل روسای ادارات و مأمورینی که متعاضل حسان در کردستان دارند با نظر آن اتمام کرد .

غلامی و مسائل و اختیارات اشورا باید نظریه عملی باشد که بر پایه امور مربوط به کردستان نظارت داشته باشد .

و الا اگر بدین ترتیب سرگیری به کارها داده نشود و تشنه اصلاحی و اساسی که برخی فوری و بعضی آتی خواهد بود ، تنظیم نگردد ، هر عملی که در کردستان انجام شود اغلب با بیخوابی بزرگ و تاج زبانی آرد و شاید خنکاترانی بوده و نتیجه مفالوی بدست خواهد آمد .

واضع ایستایی که سنگین است بران مملکت تمام خود ، باید برای کردستان برنامه خاص و دقیق تنظیم شود .

امروز دولت باید توجه فوری العادعی را در کردستان داشته باشد . روی مسائل امروز خورشوا ، مشقانه ، پدرا ، در آنجا باید پیش گرفته شود .

دولت باید در مرا درست هدایت کند ، مأمورین باید بصیبت بیشتری نشان دهند ، از هر چیز که احساس منفی و با نهایت آزار آن را جرحه دار کند بریزند .

اگر چه خود آقای نخست وزیر با دستور اعلامیه اخیر مشتمل بر مکتوبی برده ان هرزه گردان و مغرضان نواخته اند ما نیز که با اعتماد اکراد آشنای گانل داریم اعلام میکنیم که شاید گذشته از هفتده سپهر مسعودی مغرض و نفعت پرست ، اکراد افراطی و کثرت یافت ، کلیه مطالبه آقای نوام السلطنه میباشد .

امروز وظیفه هر فرد ایرانی وطن پرست است که تنها به حرف و نوشته بلکه ملاحظاتی پستیانی مسیانه و بیگانگی و اوقات نهمه و در اوقات غیر خواهان فووت با کمال جدیت و کشفت همکاری نماید .

تمرکز نیروهای عراقی در سرحد ایران
احتمال ورود وقایع قابل ملاحظه ای روی میدهد

غیر کواخبر گزارشی رویش زاننده اطلاع داده است که مسانطور دولتی عراق با هدف زیادی مراتب اوضاع کردستان می یافتند .

دولت عراق تصمیمات فوری العادعی اتخاذ کرده است که سوادت کردستان ایران به کردستان عراق سربازت نشود و اوضاعی در آنجا پیدا نشاید .

سرگزارش رویش زاننده میگوید که مطابق اخباری که پینفا رسیده است دو لشکر کبیه نیروهای هوایی عراق ملازمه با لشکر نظامی و هفت هزار افسار و در مقام میروزی آن عراق متمرکز شده اند و کلیه نقاط سون الجیش و سایر نقاط این منطقه را اشغال کرده اند

امروز هنوز دولت فرصت اقدام دارد و میتواند اوضاع کردستان را سر صورتی برده ولی اگر فرصت فوق العادعی حل شده کردستان را فریخ سازد

مناره دزدان

- ۴۲ -

آیساماتو بزوی سمرجست خوانده سمرکو.

استانی نیروگرد که زود مراجعت کند او هر وقت توانا بر میگردد من برای برکردن قشما اینجا آمدهام و اکنون باید بروم زیرا دو شان شطه پشایی دارم. املا برای من خوش آینه نیست که بهلاز مرگ آریکو در آن مردکی باشم. پس از این حرف بیشتر از حراس و روشده به محل خوش روان شد.

و انایل در همین وقت از نار بیرون آمد. گوئی ده سال بر سر او افزوده شده بود سیاهی خزن انگیز و گرم آوری داشت نامه اینها تینه او آرام بود. آخته دست هراس آمده به دستور داد که باغی خود را روی تخت سنگی بگذارد حراس اطاعت کرد.

و انایل رفت شده در حالیکه سوهانی بدست داشت شروع به بریدن میزبانه کرد.

مدتی طول کشید مورث را نایل سرخ شد با سکوت تمام یکبار خوش پیامه میداد. حراس چیزی نیگفت زیرا بداندست که درمحل بل پتک چنین معیبت عطشی گیرنده ترین صفات و تسلی بعضی کرم حرف ها شتک و بی اثر است.

و فقط بطرف دست را نایل انگلکار کرد.

آخرین اقمه فرزدان خوشه ای از صدف کتی میبند و ظلمت شب بر فروز روز سپید میگذرد.

و انایل از کوشش فراغ شده زنجیر را از ی او بریده بود. آری میبوس جوان دیگر او بیرون داد.

و انایل گفت خود را روی دوش او انداخت تا کوشش را بر سر او گذاشت.

حراس با مدامی مخروم گفت مگر بیوهایی که با هم فرار کنیم.

خبر من شما را در قسمت های مشکلم راه همراهی خواهم کرد شما باید از جلوی پیرو بگذردید و اینکار بدون تغییر ایام ممکن نیست.

اما او یکی است و ما دو نفر.

بی ایام میخواند که دو تریسوی مراهانند که کوشش صدا با عت دستگیری ما خواهد شد. بپر حال دوست من صحت کنید.

حراس اطاعت سمرکو بزوی براف افشاند. فامت حراس و انایل بیک اندازه بود در تازیکی بیخ وجه تنهایی آنها را یک پیکه میبوسد. حراس آن صف و هادی واکه خیال میکرد دو متکام آزادی خوانده داشت در خود نشیند.

و انایل راه میرفت. دودوست جوان ناتی که بزدگی آشتار میداد با یکدیگر صحبت نکردند.

نو آن وقت انایل و براسا کرد با مدامی خشیکی گفت. گلازه را توری همراه پانین یابین کشید. اگر پیشرو شما حرف دو جواب نمیداد بر این پیشرو عداوت من است و او از آن متتیر نخواهد شد با امتیاط تمام راه بروید.

حراس با حفا و هدایت خواهد کرد

اما از آن مورد نکند. و انایل سخن خود و دیال کرده گفت: ناتی که بجاده سیرید سیریریان آب نماند. صحنه آزان در نشود. غذا خارا زود مدتان برساند.

حراس پاسه ای لزان جواب داد: اما و انایل من سیتراول شارا را اینطور دوسرفن اتمام و خشکانه ماتو بگذارم.

خبر بشیره موثقت من ازشابش است. ماتو شاید هنوز کمی نسبت بین سمیت داشته باشد. بلامرغ تمام راهمای این بنگلر ای خاص تر از برای من فرسنگ نیست. هم اکنون باید از یکصد گره جدا گویم. اگر میدانید که چند روز خوشحال میشوم وقتی شارا در آن بنشیند آخدر درخت میگردد.

اما اگر شما موافق فرار نشوید من دیگر کله لطفه خوشی من نخواهم داشت.

چنین تکوید. مرگ بری من و خشکانه است. من اکنون دو دنیا تنها هستم اما شما کت و شریک خوشی مادتان هستد.

و انایل دست حراس را نشرده راه چنگال پیش گرفت و سپس بطرف غار سرا زبر شد.

فصل یازدهم

رهایی

حراس دو میان انگل و اسامات مختلف فروط در بود. دو بار انایل نگر میگردد که چگونه برای خاطر او در پنج روز و بالاخره او آزاد کرده بود و سیرید جدا داد و در پنج و خشکانه اتمام. ماتو فرار کرد. حشاً اظالمیت انسان سواوه خود نیز شتاک بود. در این وقت پیرو او دید که باز متوجه شده است لرش خشیکی سرا پای انداختن را فرارگت از غنای بزرگ گشخواست و آخته با قدم های ثابت برآمدن ادامه داد.

اما از زبر ابرها بیرون آمده جاده را روشن سمرکو بود.

حراس دست سنگین پیرو را روی خانه خود پس کرده و صدای او را شنید که چنین گفت: و انایل آجا تروی بی نامه است.

قلب حراس پشت میزد و می ترسید که مبادا بالاخره او را بشناسد. پیرو دست خود را از روی خانه حراس برداشت و از بیخوات سیرت فرار کرد اما اترس این که میواد سوهن پیرو خود قدم را تیرت کرده و صدای کتار آشتار بسیار خطرناک بود و مدامی فرس آبل تب حراس را میزدانید فلاناً صدای شنید اطراف خود را بدقت نگاه کرد. صدای اطراف برآمد. یک برده شب از بالای سهراس دو حالیکه صدا میکرد گذشت و او مطمئن شده داد خود را ادامه داد اما باز صد آشتار شتک شدراس پیشتر کرد. در این باره مادی آسانی را بخوبی فحاشت بانود گفت شاید آریکو بود. او زنده است و در حالیکه روی گرد زمین آشتار شد عینه فرود بوراس سنگها و دو شان اطراف خود آجای روشدانه

اثر طبع آقای شیخ محمد حامی مختلص به «عاشق» مشمس بك فزل «ناری»

دومای برچس من دم له هر دو لاره به شنبه دوچاروی ترگی سنی به بی سورده کواشبه

ناشا کن و تم ام برم و باده جلوه شنبه لگه برتری بزوی بی مروتی او شونه عشقته

له هرچی ده لنگه با لگه تاقبته. یا بینه پاشینه له هر لایه که بر و ملت خیالی اسی خود خوردا

و بیعت (۱) شوک آساسی هلد برام به سر ملقا جریکی عدلیش صبح و اپوزده هر سلقا

له داغی غاره مردم فیویدی بیل به سر گلدا له سر او و وجهیه شنبه که روی محتاجی گاشینه

به مای سجادو لگه که بیرضاهه مه دای ددی حراس و عدتد و بیسی ضرورتها کسی نه ی بی

کزاری جویداد و باقی بارش بر گلرد به نای که سر و شتی به مزی به فروسی بر بطو هی

به امری پیروی به انه زمانه ای باده نوینته جو رانی و حکم سونی روزی سوزی شعر بیرونه

سما به یی ده کی واضع له شوروی حالی دیوانه بسده اله و کر روشاره اولظیم در شتاه

جو رزاده که دل نادبه و عشی پوچ وانماه نشانه صوفی دل که ی بریش و خرفه پوشینه

بر دویش و شونی که ی به برچوسو که ملاقا کی به ی خوشن کاغذ و بوسینگی چاکه

به شیفته کی به زبور و ربا و شلی تا کی به بررگی که ی به تکر و دانش و آداب و ادراکه

معیشت که ی به سعی و اهتمام و کسب کوشینه به هر کس لابی بوس و کنار و هاو سروجوت

به هر کس لابی با واه و کالوش بیرونه به هر کس مستحق دس بایز و خیرال بافوت

به هر کس لابی دست دل دل بند و زلمروه به عمل لابی دسته گلر و پوشش و پوشینه

نه هر سرواچی دسته گلر و پوشش و پوشینه یکی واختره بر او بدیده و منک با صبح کا

یکی و بافته و رنگ گوتی به کر ی دابا سچ کا یکی یه خوده شرکاتو که له ام ملالیج کا

یکی اچا که سر بو افسری شاعانه کج کا یکی مستوحی برگی ختالی کوله پوشینه

له دوری تو جوانی شرمه کانت له که برگی لاسم هر که شت کلا شنبه سه برگی

له بر سونی و هزار دازی سرا باشین بوه برگی له سر فونی جوای ترمی خوینه بو مرگی

نماشاکه له اشادهم سر یا آخری شینه که خوشی چون له مایه ددی بی دایم جبات کم

له متنقار خوده داد بلکو به یکسر جبهات کم که خوشی که نر موهی «ناری» عدلت کم

او ا مردم له خوشی او له خوشی ام نغو شینه (۱) غام شوک سواخی است دو دشت شهروز که هر وقت پای اسب

دو آن برود از دوران زبانی زمین میخورد. اعمار فوق را آفتاب. آزدون از سنج ارسال داتده است.

برادته بطرف آشتار آمد تاپه ای چند برای انتصاب جان برای تکیه گاندو مدخل مانه

بالاخره تفت سنگی بپلوی درشت برشاخ برگی انتصاب کرده روی آن فرار

مدای آریکو جواب داد: زود گرفت و طباب را: بینه اداغشت.

بکطاب والاخرن میبومد - اینجا صفت نیست.

چند به فتمت برگر: کیسه مرا به پای درشت تریزی خواهی یافت. طباب

را از آن بیرون یاور. ترا بصادا جلی کن والا آب برخواهد برد.

حراس قدی مردد مانده ترمید که پیتره او را دور بیند بالاخره متناظر با

انگزر

۳۲ هجری ۱۳۰۷ و ۱۳۰۸
یکبار در ۳۲ هفته جاری شصت موضوع چاپ در خرداد ماه منتشر میشود

در باختر ایران چه خبر است؟! ...

(۶۱)

تیسار امین در کاشکته شده ...
اینجا دستور است و در این شهر
به طالب یادگار شیرین و تلخ و یکمینا
راج و آلم نهفته است. اینجا شهر
دولت است که مردمی که تیسار امین
از آن است که تیسار امین و تلخ و یکمینا
تیسار امین و تلخ و یکمینا
است که هنوز هم آنجا چشم مادران
داده‌اند و پیر مردان از هستی ساقط شده
چهارپولو در دستان برین فرو میرزد
خلافه این شهر کوچک تاریخی که
پادشاهان مستعاضی متعاقب برهمه‌ای گذشته
و هنوز هم خلج گردمان کون بر باضمان
خوشرویی به پستو اهالی آن در یک
حاکم سکونت و بقوت فروخته است.
تیسار سر لشکر این خون سیر خود را
در راه اعاده امنیت ایستادن ناز کرده
تیسار امین در حوض و کاشکته شده
باز بدنگران ثابت کند که کاربانی از مرگ
هرگز ندارد ...

سر لشکر محمود این چه کمت ...
آتش شهر را حلقه از آتش در
میان گرفته بود. دماستین ... از جان گذشته
میرم در بند مخدای خصلت ها را
پر کرده و گریه میگرداند. دولت و
تیسار امین باهسته سرباز و از ارم سردود
در میان آتش سوزی بود. برای نیاید
مستورین و اهالی مستعاضی آن تیسار
میرم و دماستین که میبردند تیسار
دیعه از ساکتین یکی از قرانه نزدیک
بود و دوشادوش تیسار امین بر آب یکی
از راه اندام ها سوار شده بود در تیسار
سخت از وحشت نمودن بود به تیسار
شادواران گفت:

۱۳۲ - بجان خودم در امانتان
رحم کنید و در این شب ناز بجان آتش
نرمود تا مل کشته تا صبح شود ...
تیسار امین با معاذی که در آن سکونت
موسخ برای آسازان و زانساندها ها
بسرگله یک وسی اسرانی بود گفت
نه ۱۳۳! ماهه تر از این مین
فدائی هستم! باید بدان ساکتین
نیوای شهر سقز بر سیم
این نزال ایرانی جان شیرین خود را
فدائی امنیت و آسایش خالی بی شهر
ساخت. امنیت ملی مرا در ده کاری
انحصاری ما نه تیسار امین است و ای سر
سولت و جدائی گنجه دانسته و با
ز روی عداوت امنیت ملی مندم لرزدم
را بر هم زنه!

خدا میداند کجا کاشکته
زحمت اسراف فدای کار خود را
هدر بدهد تا چه حد است
و آنکه نیم اردیبهشت ۱۳۴۳

بسته میباید و روزنامه ها هم
نوشته‌اند که دولت برای جلوگیری از
فشارهای اجتنابی و غیر مترقبه در کردستان
ایریم و جاده‌های بسته کردستان گرسن
داشت. قسمت اعظم این نیرو در ساز
مشر گرفته و این مانور سیاسی بر مکرر

اعلامیه آقای نخست وزیر

در این موعن تبر نسل و فرخ تابستان و گرما ستاده میوه که از
یک طرف کلبا و زوایان در حال رویش و شکفتن است و از طرف
دیگر انواع میوه‌ها از رختها سر دوآروده آزادانه در جنب و جوش و هیاهو
و غرور میبانهند. بی‌شک است در چنین موعن و طبعه‌ها باغبان ماهر و علاقه‌مند
و طراوت باغ و بوستان جراین نیست که گنای زینا را فاداد داشته‌اند. سردانی
را دفع نایب و در میان برادر.

باید تذکر داد که امروز وظایف زمامداری با در نظر گرفتن مسالمت
و عطیفات روز ایجاب می‌کند که در حین ترویج افراد صالح و وطن‌پرست
اقدامات انسانی و سوه نیک مفاصفت و معسین نیز با گنای قدرت جلوگیری
نمود تا اولاد و آسایش مردم از حرجت ناسین پائنه و تکمیل پذیرد.
بطوری که موصوفان من اولاد را در این باب بوسی ابرول مؤسسه نمود
و نام امور را در دست گرفتیم که وضع ملکیت بر اثر حوس های برده‌ی خدایت
های نادان دچار قطع و نقت گردیده بود و چه اولادها نماندند و چه
سخت سیاست داشلی و تری ملی زده گی افکار حوس دچار منتهای نگرانی و
توشیح بوده و روزی که خول مسؤلت مردم بصحنه می‌پوراد. وضع انسانی
فهم که در ایجاب آن کو مکتبیرین دولت و مؤسسی را نهادیم.

در نتیجه زمامت باارزوه که در این مدت تحمل نمودیم و انشوی
که در افکار مردم و ناآهوش تسکین یافت نسوه کفاسی این جهت تسکین
و احوالی سیاستمداران و باولوس سیاستمداران تسکین یافت نسوه کفاسی این جهت تسکین
چهارم شوروی حاصل شده بود نیدل حسن افکار و تقییه مساسات سته کرده
و اعلاذ چنین سیاست تدبیر می‌بود که تسکین افکار و رفع نگرانی مردم وجود
آورد در نتیجه اقدامات هندی و تداوری که پس از آن هریه زدگی نیز نتول
محصوس نمود و از این جهت نیز کشته مؤسری در راه و آسایش مردم حاصل
گردید.

فداعت اصلاحات مهم و اساسی بوسیله تشکیل شوراهای مختلف تبع
فدعه که بجز در مثل سلسله از باجان که یکی از اصول سیاست این جاب است
در سر تاسر کشور آغاز خواهد گردید با نایبانه گذر آذر باجان ناسی حاصل
دشو مدارک لازم قبل از عمل بدستی که از غایب وانکار و دیگر کارهای
مستند و مشور و همب که در هنوز تفرات کامل حاصل شده و لورس سلامت آید
این جاب با وطنیان حسن نیت نایبانه گذر آذربایجان حل این مشکل را نه بود

حکومت محترم آذربایجان و برست سیاست ایدینه‌فره خواهد نمود
با یروصف این اقدامات بسیار اهمیت نسوه می‌کنند که در مثل
جاب صالح از آن است که از امور کشور و احوالی هیات کارخانه‌ها و صنایع
پا هم سیاست آن ها را بسکورت و احوالی باگذراند و در جهت تاثیر من اهینه
است که فرخ همایون در جهت مسؤلت نمودند. انه تا مگر - تواته با این
موقیعت این جاب را متزلزل سازند و بقیامه سوه خوش نائل گردند

میگویی یند: ایت جاب استکفاده داده و باقیمه استخدام
میگویی یند: در سیاست کشور جارا شغیاهات درک عدم
میگویی یند: چرا با نایبانه گذر آذر باجان حاضر بیدار و مسالمت

گردید؟
میگویی یند: چرا

میگویی یند: چرا
بهرموضان عزیز برقیده نیست روزی که قبول مسؤلت نبوده و نام
امور کشور را در دست گرفتیم تا از راه امتیاج بود و به انت جاب طیار را که
بسیار امر باطبرختن مابین فاشقلمی بدون تردید حشر و قتل مسؤلت
شده برای این بود که احساس اول افکار حوس میباید و سوجه بیسیاب
گردیده و اولاد سونم حرجان ملکیت مابیران از خدمت گرا - فدیعه نمود با حجه
و انتظار فداگیری داشته است.

اینجا است که روی سخن من بنامسر ارتیاج و نایبانه گذر آذربایجان
مستطرف میشود اگر این آذربایجان را در دست و چون با اوصاف فادق یافته پایه
صبر کند که تمام سب و مشکلی که امروز دچار آن هستیم حاصل احوال
جنوری آذربایردی است آبیانیه
اینجا هستند که در سوه تیر تیرموتار اموند
احوال جنون آذربایردی در سوه تیر تیرموتار اموند
اینجا هستند که بدون هیچ عرق و دلیلی صرفا روی دیات پایه خود
امتیازاتی آفاقی بر روی دیگران اورد نموده و با این اقدام متفرخانه تمام
گنیه و نود را در این کوش آبیانیه
اینجا هستند که در دلیبه مجلس سیدعم و نام مجلس فود - چهارم
بند یکم برای این سب در نماز خود و در حفظ مردم و با این اقدام متفرخانه
هدلی برای خود ابرام میگردند
اینجا هستند که سقزو فدا نامه سلطانه‌ها را در خانه و دمیبه
تخریک برداشته نامل از این که هیچ دولت خارجی دموکراتی را در خانه
باید در صله

حکومت و ضابطینان اردلان

رخا نقلی خان والی در سن ۱۲۶۶ بطوریکه ذکر شد بهیترت در مراجهت کرده شروع باقتضای سرسختیهاست لشکری می نماید. - ولایت امینت را سایش را در اصفهان محسوس می دهد - هنگامی که ناصرالدین شاه از مروایت عهد «آوردگان» به سرک تاج و تخت «لویان» سرخست می کند غلامش خان بهشتیار لوم که همایون زرت و دولیبانیه واقع می گردد در نقلی خان هم از طرف خود قصد علی خان سزوی و میرزا الهی - فاروقه را با هدایا و تقدیرهای قابل و تبریکهای ناپایان روانه کرد برپایه های میزبانان در ورود تهران غلامش خان در میوان خانه میرزا حتی خان امیر کبیر بنی مسطور و میرزا میرزا حکومت کردستان و شلاق می کشد تا نگه ایس از ۶۶ ملا غلامش خان بهشتیار فرمان حکومت کردستان را در نقلی خان سزوی می رود و این آخرین دولت حکومت او است که در حقیقت و واقعیت تاریخ معاصر اولین اقتاد در تهران سیاه لاله نامی کردگان جزو مستقیمین میرزا محمد خان سپهسالار می شود و نقلی خان شصت هجده و دینچه و داری بود که در وقت دست هم معروف بود است که منبسط می در طرف کوه در در حکمت نامی از صف و از دروغ گفته و در حالی دیگر در دولت شاهانه است و کلی فارا با زور انکشت زده سپاه از قالی کشه است و در این ایزل هلیات بدی که دیگران از امتیان بان مایل نامند اما زیاد فاشه در معارف و بلندی عت نیز عدم نظیر بوده است چندان غلامش خان را بیایه بوده هر چه تحصیل کرده صرف بلز بهشت رسانیده است از طری خاص غرض صمد شاه ۳۰ پناه داشته اخیرم علم و دانش را اولاد»

۱- حاج محمد سلیمان سزاد مکره رئیس فوج نظر کردستان
 ۲- حاج ابوالحسن خان (نظر الملك) که سنی هم خود را در در بان ناصر می برد است.
 حکومت غلامشاه خان اردلان
 لویان نقلی
 امان افغان مشهور به «غلامشاه» که بیوجه فرمان ناصرالدین شاه به حکومت کردستان نایل شده و در روز ۲۶ سنه ۱۲۶۶ و بعد از آن ۱۲۶۷ هجری وارد شد از همه است و با امر مسکرتاری و مملکت داری پرداخته است و میرزا الهی و پیشتر و مدعی علی خان سزوی. اما تا بابت اولاد که قرار داده است می از آراء آفتاب سلطان خانم دختر مرحوم سیدنی خان اربابخانه آذواج در آورده و بر مردم شیطان مشهوران در مدینه منی منتفی می شود -
 با هزاران نیز و ناز و دلبازی زهر آمده در کنار مشرفی خود اولاد را ۱۲۶۸ - بر حسب تقاضای دولت زور از طرف دولت ایران والی مأمور نظیر غلامشاه با پان شهناجیت اردلان رهسپار سلیمانیه می شود ز طرف مردم ظلم و تیراندازی و او هم پادشاه را در میان باغیان و باغشازان گنجانان از طرف دولت منصور و لایزال در تنگه مشهور است

بیمای مدعی مدروخ آیت کردستان

کرد و کردستان

رومی هونه چو عربی که نام پانان که با جیت خود فرار کرده و پرباه میبرد در آن جا بنای نامت و ناز می گذارده والی بنساف او رکه اورا بنیان طوایف اهراب می خواند و سرمدرا از لوتن وجود او بکش و منز می سازد و باقتضای هر چه نامتر بنتر حکومت وزارت می کند و در اول سال ۱۲۶۷ مقام و اجازت را بپذیرد قصد رضای منته سر میرزا عبدالکریم منته و گذار نوده و بر حسب دستور میرزا علی خان امیر کبیر به خود سزای که میبارت از ۶ هزار خر شاه باسرهنگ و سلطان و صاحب مکتبانه جره از بدام و بلوغت کردستان گرفته سرهنگی آن کوه در با شان احمد شیلان برادر کوچک خود و گذار و فوج را با تبارک می نماید والی سواره و فوج را با تبارک و تربیت شایان سرک داده و در چمن های آباد بوک به میرزا میرسد والی در این مسافرت با میرزا آقاخان صغر اعظم آشتیالی دوستی پیدا کرده و مساعدت فرمان او را می نماید در اواخر سال ۱۲۶۸ هجری حسن سلطان او را در بدو مشتم سلطانان اردلان است

علم طمان برافراشته بنای باغی گری و اشتیال دعوات و نامت و تراج اطراف را می گذارند و بر حسب اجازت دولت پاک فوج سزاد و چهار هزاره دولتی و هزار گزینگی هر یک «اوران نامت» سر حرکت کرده بنیظلی خان خلف مستحسن خان سپهروی خود را هم با ابراهام بیگلر و بیخ دست نظام و یکصد هموار و تنگکی هر یک در راه جوانه و پلوه برای سرگرمی قصد سیدسلطان «بدو» سپهسلطان «روان» لپون می نماید در تست اوران نامت خان احمدخان سرهنگ برادر والی پیش جنگ بوده از رامندوبندگی ذلی فرمان پرورش می دهد که سزاد است که از طرف حسن سلطان مستطاف درین بدونه با پیش تازان او را دفاع نوده در معضرت کشش و کوشش مستظلمین درین فراز می کشد سپاه والی سکرها را و متصرف هغه خود والی نیز با شایه اردو از درین پی می گردد خان احمد خان بدون فوشت از ذلی (با فوج بدو) که جمع و مرکز حسن سلطان وجیست اوران نامت بوده حمله میرد خسراتان او - سرگرمی اوران نامت استعمار استعمار می نماید و در این مسافرت با میرزا آقاخان صغر اعظم آشتیالی دوستی پیدا کرده و مساعدت فرمان او را می نماید در اواخر سال ۱۲۶۸ هجری حسن سلطان او را در بدو مشتم سلطانان اردلان است

از دست غلام احمد خان هم ۶ نفر سزاد مقتول و ۱۴۴ نفر مجروح می شوند بیست و سه نفر از این مجروحان هم با سپاهی که همراه داشته رسیده اورا بهیجا را متلف و ناچار از طبع نشینی میکنند و بعد در میان سپاه شده حسن سلطان صغیر باقیات را باغ خود بهنگام هجرت خود بر او میبندد - فردا سرانآب سپاهوالی با مانا کفران را بنامت آتش هندی آنها هر چه مانده غلظت و معل ورماری را در آتش میزند و باقیات خان هم سپاه ایوب جنی خود از آب میزند و در این تقاضای هغه فسود که مقر و سپهروان کشته بشیر فسود که مقر و مقام صد سید سلطان اورامی برده شده برده شود پان با تلفات زیاد هکستی دهه و شصت و دو را و نود و شصت نفر میبندد و دوه روز از این تقاضای هغه غریبی رسد که ناصرالدین شاه از دست بکنتر باغی آید - خورده است

اشرار سرخه از اشرار این غیر دیواره عالی گرته با باندگی حصد و همدستان شیون و بر سپاه اورامی بنیظلی خان شیون غیره - سپاهیان آن شب و در راه پایبازی کرده فرود صبح نامتکام صر جنگ سر سپاه امان یدای کشته از سزادان دولتی مقتدر نیز از تنگکی میزند (۲۶) نفر در آن دم مقتول میزند سپاهی هغه هردو سپاه و محکوم میسکت و مسکون بوده از طرف والی هم کشته ندیدند سزاد با جلالی خان باغیای ایوب جنی خود نشود و نظیه بوده بهیجا اردو بیخ نشیند والی هم از نظر اوران نامت بگله میروان رفته در آجا باقیات سپاهیا - این افراد حسن سلطان و قصد سید سلطان فرد بوالی می آید سه هزار تومان وجه هدیه اعراف تقدیم می کنند و آنها را در رخت این اتنا چهار مضمون از دارالاملاهی رسد و مزده محنت ذات ملوکانه دارالاملاهی باغیای بشکراه این بی شارت مجلس شیر بر پاسوده یکصد و ده توپ و اسلحتان ذات حلیاری شیک می کند - صبح آتش سپاه و با بطرف سزاد حرکت داده است در ورود بهتر هم امر میدهد تمام بازور دکا کین و آتشین سه چهارشنبه روزمهر شهر پیش و مشرف میگردانند - در بهار سال ۱۲۶۸ هجری غلامشاه که متنازع فیلو کین ایران ورود بوده بیخ شرارت و همزگی را در دامه لهر سزاد هم شروع بزیادت و آزار مردم میباید والی مراتب را در عرض دیوار دولتی رسانید اما اجازه دولت متجاوز از ۳ هزار سوار و بیاده نظام را جمع آوری نمود فوج گروس هم خشیبه حده توپخانه و قورخانه و لای بیست (شورخانان) حرکت میباید و لای آجا خان احمد خان سرهنگ و اسمعیل خان نیظلی خان را با چنه دسته سزاد و سوار (سورسور) (سورسور) (چوا) (دو) (گسکی) و شیر به طرف ایران گسیل میدارد که در آنجا حمله بارز نمود و والی با فوج کردستان و فوج گروس و سواره حشلی از طرف - زران حله در طایفه جلی را که متجاوز از ده هزار خانوده بوده اند تائب میباید آنها تائب با قناعت نیلورده و مراد میکنند

از اسالی
 آتای صمد آبرکاد

لها باخی گزولیک
 بی خود

نیخود نازی محموده که ری هلا امین مانی نوهی جاو
 هاری به نای با گله - له خاندانی علم و زادی ملیانیه
 تا سال ۱۲۵۸ هر له سلیمانیدا بووه ، له وه لا
 لئی بی خنه بهران - شاعر یکی زور غرا و ادیبی کی
 شیرین کلامه

« نیخود » نامش محمود ، پس ملا مانی ، نو -
 ملای چارماری مشهور است - از خاندان علم و زادگاهش سلیمانیه
 است تا سال ۱۲۵۸ در سلیمانیه بود ، از آن بی اطلاعاتی
 دست نیست ،
 نیخود ، شاعری فزاد ادیبی شیرین زبان بود .

اینک یاک :زل از آثار او :

دامه موفی چای دلیر یکی تنگه پردازه
 له مضمی حسنه ، جنی شوخیه سرچاوه از -
 له باغی ناز کیدا منتدل سرویکی زبایور
 له دیواری چمن زادی دلا فریبکی منازله
 له زوری - سن غری اقبیس ارش و آسا و گرت
 له سر نخنی زمین خا من زامن ماملک ناز -
 سوبه ای بر چمن و کعبه لیری کعبه طلعت افشانه
 بیاشی گرتی کدک مبع صادق بر تو انداز -
 سرمی چاو وینی دروشن طتی شنی اوی
 معانی نازه کعبی استیازه قیلته ناز -
 له نازوی معنانه هزار لومس بکن نخوان
 لایم ای یوسله پیشیر بکو صاحب انجاز -

ده شبات بی ، علی دراجی دل غوی در دغا ، بیخود
 کام کرد که جی زوی شین و وشه و بازه -

اعلامیه آقای نخست‌وزیر

په از سنه ۱۳۰۴
وجه بنابه مذاقته نایب وایته مذاقته معاومه کرد.

ایشها هسندت که اسروز در مقابل تاریخ ولایت ایران - سؤل هفته می خونه و اینها بیان تاریخ این ملت است که در حال کنه -
ایشها سنه سکه دولت کمالی و مصالح و رفاه و آرزوی کار آبروه و وضع ملکت را دچار تشنج قلبی اموند. اسروز هیئت مناسر مردود چونت

مناوس از حیات دولت میباشه بشنور اینکته بزونه خود را و از احتیاطات البته باز دیگر بر مردم تحویل کنه می‌خواهد ملکتی را که دچار این همه بی‌بسی و اصلاحات و هرج و مرج اموده اینه باز باجایه و دسیسه و دست آلوده خود گرفته و آن را علیه افراش و آمال خود سازنده لغال از اینکته من از کفر افراش و طاع آنها مستغنی و اگر کسی خواه می‌خواد حتی امکان بست بهیوشان خود حاصل هفت نام نایب از ق من حمل برضف کرده و تصور خود که اجازه خودم داد این قسم سربکات و مناسی بر علیه مصالح ملکت ادهام پیدا نند.

باید بدانه که من به نشناخ من چنین موعظ - هر باسته، ایستم بلکه تریخ راحت خمسی کرده که برای افکار و کانه بدنام و برخورد فرض میباشه که با یکی افکار عمومی و پیشینیان ملت اینجاست اصلاحات ضروری را که ملکت و سعادت نشه آن مناسر آسازکتی و باجرام بر مناسر.

از این مناسر خبر داده که هر فرد را مصرف هوسهای بست نموده و اهل زبیر از چهار وجه شادناطوب نبی نموده اینه باید بتوجه از روی که دست اخم از این مناسر صفت و ایرین دوستی بیرون آید، و نیز خیاکتان را بدین افراش را سلامتی کنه و به حق جهت اسه. با آنها نگر می‌دم اگر دست از دسیسه و تحریک نمکنته باید بدون هیچ گله مواب و قیام بحال خود را تحمل نمایه زیرا از اراق من که توفانی است و شرر و زبای نشود بوده و با حفظ مصالح ایران منالی باشد.

هوشلطان

با استعمار و راسات خارجی اینجا که که حیات از خط شامل و موازنه و تحکیم مناسبت مودت و دوستی با یکدیگر و نفع دنیایه اخلاق انصاف جاها به ضروری و بر بنیادی برسد که سدک نهمه - امریکه و تاین اینست و عظمت و ثابت تراضی ایران میباشه و با توجه بجزوم اصلاحات اساسی و رفوری در سر ترس نشود و میهم مجبور شد مراسته آذربایجان اصلاحات ضروری بشنور آید کند و تاین رده و این مناسر مردم محسوسه بلیه هرگز و دواع که خدمت آن تهیه شده فوراً شروع کرده و برای پیشرفت این هفت در نظر دارم احتیاط سر تالی کتور خود کوشه از اثر استفاده و بنامی.

و منصوصا تا کیه می‌کنم که بهیچوجه اجازه نخواهم داد مناسر اوجناهی خیاات کار با دسیسه و حیله سروری که در راه اصلاحات ملکت ایجاد ناپایه و مناج هوند که ملت ایران را بر آرزوهای خود در بر منده و مناسر اصلاحات دنیایه نایب پاسبان برای حفظ مصالح کشور با نهایت سرعت اجرا - بخواه راه مناسر مشرتاوتی دواع خودم کرده که از هرج و میسه و سلمی که مناسر موافقت اینجا بهیچ وجه نایب شدت جاگیر می‌خواهد کرده و بهیچ است برای حصول موافقت در اینجا وظایف خود هسانطور که در گذشته متکی باکابر موطنان عزیز بوده اند بهیچ وجه پیشینیان ملت ایران را برای تحکیم وحدت ملی و سلامت و سعادت کشور انتظار دارم و البته از این موافقت برخوردار خواهم بود.

تواظف الطمانه

توده‌هاست فراموش شده کیست چندین مرتبه از دست گذر کرد که برای مناسر کوشش و زحمتی خود را برای مناسر بتوجه و اولویت بر جواب می‌کشد (امروز شایان بود اوقات خود و رفاهی مدتی و لازم بری صرف نماید) اوقات فراغت خود را بدرس مناسر اختصاص داده صرف می‌کنه. اگر مناسر استقامت خود بنظر مناسر هم کمانی استقامت خود و مایلش را فراموش نماید بافتن خود و مایلش را فراموش سازد جدید او در این مورد بهیچ وجه که امروز کتور کرده بدین حد امران نوشتن خواندن و حساب نامه در مناسر میلی شنوان جایز چندین سال در مناسر می‌کنه و با تشویق خود را با نایب آموختن نوشتن خواندن کوشی می‌کند او این کارگردان خود را با یک چشم نگه می‌دارد و توفانی بین آنان ناله نشود

از مجله گلابز ترجمه و اقتباس آقای ابراهیم نادری

دکتر کامران هالی بدرخان

اولین کردی که با رینولد ویلسکی مذاکره کرده و مطابق زندگی سیاسی و اجتماعی کرد را در یک دفترچه بزبان انگلیسی که خود تهیه نموده بود تنظیم کرده دگر کامران بود.

با وجود اینکه همه افراد در تیان پندان زیاد نیست ولی در بر تو کردانی و زحمت طاقت فرسای او خدمت در داد و بیرون برامه افراش و زین کردی ایجاد نموده و همه روز در ساعت پنج و نیم به وقت تهران بروی موجه گوناگون درجه صحبت می‌کنه. با وجود داشتن هر شی فون‌الطامه یاد با امور تجارتی مشغول است هر چه از این راه و یا هر چه بی آرزو بازمانده‌ها را که خود مصرف نموده بقیه را در دیال اید آن خود شرح می‌نمایه.

آقایان و دوستان زیادی از جلال و پرستی کمال این خطه دولت دار و اغلب بدین راه او میروند و او هم کمال جلا و اشتیاق از آنان پذیرائی می‌کنند و مصمم ماسی و کوشش در راه این مناسر ادا می‌نویسم و زندگی اجناسی افراد را با آنان نشان دهد.

دگر کامران البته ذلی او خوب می‌داند - کردی - هر - ترکی - نالری - فرانسه - انگلیسی - آلمانی - روسی و زبان های اروپائی بر کسی ممتلا - اغلب این زبان ها تالیفات دارد

زبان فرانسه

- ۱- سنه ۱۳۰۴ در یک مقدمه از ادبیات کردی
- ۲- یادنامه کردستان بایک مقدمه از شعری فراموشی
- ۳- دیکشنری کردی به فرانسه و ویلسکی دادای ۱۰ هزار لغت
- زبان آلمانی
- ۱- اعصاب کردستان - حاضری سر - گذشتن فرمانان ملی کردها در آرزوی جان دادام
- ۲- زندگانی من
- ۳- ترجمه یک کتاب کردی بزبان آلمانی

آلمانی

- ۱- هفت جلد کتاب کردی با آلمانی
- ۲- ترجمه نام آن
- ۳- ترجمه هفتصد بیت نوری
- ۴- ناموس کردی - آلمانی و آلمانی
- یکصد نام کتاب با آلمانی و دیگر - سیاحت دوسال ۱۳۰۸ در آلمان چاپ خود، ۱۰۰ کتاب دیگر تمام و در ادبیات کردی که نیز بزبان فرانسه نگاشته که میباید در سال ۱۳۰۰ در پاریس چاپ خود
- تلاوه بر این تالیفات در اغلب جهات و مطبوعات خار و بیختر اشعارت جالب هجایی دارد و در نتیجه این زحمات است که دگر کامران معروفیت جهانی دارد
- ۲- با وجود اینکه تنها و بکین سال زندگانی خود را می‌تواند هنوز منهل

در سال ۱۸۶۰ میلادی در ده دمنج غرشل سوریه منوله شده و بیکی از خانواده‌های بزرگ که معروف با شهاده‌ها مشهور میباشه - از این خانواده بزرگ و در حال برجسته و از هر حیث شایسته بهیچ ادمه ولی پیش آمدهای غیر منتهای که برای این خاندان بزرگ پیش آمده است که تمام ثروت و وسکنت و دارائی هفت که راه تجارت فریث بیاد غارت برود و متواتر گشت بدین طریق کلیه ثروت آنها از میان رفت

دگر کامران از دانشکده حقوق اسلامی تاریخ تحصیل شده. در دوران تحصیل از هر حیث شایسته و لایق بود و به علمی شایسته برایش آینه ناگزیر شد هریت تحصیلات عالی و تالیف با آلمان هزیت نماید - مدت پانزده سال تمام در این کشور بهیچ بر و از دانشکده پزشکی گرنیامه عالی در رشته های سیاسی و اقتصادی دریافت نمود

در این سوره که کتاب خود را بنام دگر کامران تالیف نموده و از هجوری هالی مؤلف بیهادت دگر کامرنه و از این پس به دگر کامران معروف شد.

بعد از فراغت از تحصیل هالرم کامرنه که در آن پاره سال آلمان در ترک گفت هالرم پاریس شد. وقت دولتی آلمان به فرانسه در دانشکده سوربن تحصیل کرده و رفته اشتغالی مطبوعه و ادبیات فرانسه را بیابان رسانید.

بعد از فراغت از تحصیل هالرم کامرنه که در آن پاره سال آلمان در ترک گفت هالرم پاریس شد. وقت دولتی آلمان به فرانسه در دانشکده سوربن تحصیل کرده و رفته اشتغالی مطبوعه و ادبیات فرانسه را بیابان رسانید.

زبان روسی

دگر کامران بسیار روشن فکر و دارای کلهای خود فون‌الماده دینی و هتق و فلاسفری بکار دارد، همیشه دوست دارد که خدمت تازه بهیچ از ان خود نموده او این حد اعتدال را بسیار اجماع داده است و مناسر او بر ایرانیان مدیده کردی کرد و در تمام امور مردم، همی - لندن - برلین - پاریس - مارسل - ورویح - لیزبک - موخ - روم - لندن - سوت گورستان است و با وجود اینکه مملایش از پیش موخ پس از او است نیگند که بسیار جوان بنظر میسرمد بیرون است اما کمین ظاهر بایک نور خوشگول و کردنی و روزنامه لوزورون را در زمان فرانسه اشتاداد غلاتنیک در تمام ساکن و در روزنامه هالرم و روناهی را اداره می‌کردند.

دگر کامران بسیار روشن فکر و دارای کلهای خود فون‌الماده دینی و هتق و فلاسفری بکار دارد، همیشه دوست دارد که خدمت تازه بهیچ از ان خود نموده او این حد اعتدال را بسیار اجماع داده است و مناسر او بر ایرانیان مدیده کردی کرد و در تمام امور مردم، همی - لندن - پاریس - مارسل - ورویح - لیزبک - موخ - روم - لندن - سوت گورستان است و با وجود اینکه مملایش از پیش موخ پس از او است نیگند که بسیار جوان بنظر میسرمد بیرون است اما کمین ظاهر بایک نور خوشگول و کردنی و روزنامه لوزورون را در زمان فرانسه اشتاداد غلاتنیک در تمام ساکن و در روزنامه هالرم و روناهی را اداره می‌کردند.

بهترین خدمتگزار دولت فرج الله زوزی است

جناب آقای مدیر محترم روزنامه کوهستان
مسلحه شماره ۵۰ جریده شرقیه کوهستان و سلحه ۲ آن که آقای فرج الله زوزی پندشار کلاترودن خرسی درمورد احسانات باک خود نگاشته بود وادام کرد که محتای ذیلرا که از هر جنبه شایسته دقت و توجه است بوسیله آن جریده شرقیه به اطلاع عموم محسوما اولیای محول می رسانم .

وفیعه که در آن نامه پرورد و بستهج هازم می هفتد فارت نودست .
از آجائی که کلیه ایاتیه و اموال نسوی که فریب یکصد هزار تومان بلکه بیشتر بود بپشت آفتابیات فرج الله زوزی رفت و بکلی از هستی ساقط گردیدم . ناچار در اداره فله استخدام و با داشتن چند نفر خالوگر کلی حقوق و دیوایت حضرت زنگی نمی نیام

با مراتب مروضه قوی حقیقه آقای بشماره درست می فرمایند از اینبیل اقدام در آن موقع نسبت با مأمورین لشکری و کثوری و سایرین می نمود پس از لغت سونون آتیا-وا سا اما بستنج بسدره می فرمود
موجود و مردوداستفاده فرار داده اند
خاتمه برای معنی عرایض شاهامالی کوماسی و اورامان از فارت ضمن بنده مستحضری است . مستضعی است از راه لطف و مرحمت نسبت برایش بنده دقیق رسیدگی کامل فرمایند .
ایجاد راه دیوارسو -

شرف - جاشوشی آزاد
کوهستان : توجه فرماد می لکتر کردستان و فرمانداری را بنامه وارده نمود نیز جلب می دانیم .

اصاری - فکری - صدیق فکری - خلیل پرویز - فیض الله کبابی - عبدالرحمن - حسین مصطفی ملای - کریم حدیق بنوری
کوهستان - بطوری که کسب اطلاع شده وزارت بهداری دستوری کلی بنامه دستور صاحبان بود که رؤسای بهداری شهرستانها حاضرا باید از دکتراهی دیله باشند . شاید بعد تغییر آقای حبیبزاده هم در اثر اجرائی این دستور کلی بوده باشد .

از ستر
قایل توجه جناب آقای نخست وزیر
با اینکه تاکنون راجع به مطالبات شونای شرقی قانونی خود از دارائی آگاه شده سفر سکه اسنادت نیز آن دارائی ارتش بود اسنادت است شکایات مستندی به نام مناقشات ملایحیت باز نمود و از طریق جرایم نیز برای وصول آن به اعلی مرتجع نظم متحمل شده است تاکنون نتیجه نگرفته . آخرین مرتجع در شخص جناب آقای نصفت وزیر و توجه خاص ایشان به فرادهای مظلومان دانسته بدین وسیله استدعا حضرت تلفت و مدور دستور رسیدگی و پرداخت مطالبات را به دارائی ارتش از حضرت مشرفه دارم

یمان کار نیسفر کلاه
اصاری - فکری - صدیق فکری - خلیل پرویز - فیض الله کبابی - عبدالرحمن - حسین مصطفی ملای - کریم حدیق بنوری
کوهستان - بطوری که کسب اطلاع شده وزارت بهداری دستوری کلی بنامه دستور صاحبان بود که رؤسای بهداری شهرستانها حاضرا باید از دکتراهی دیله باشند . شاید بعد تغییر آقای حبیبزاده هم در اثر اجرائی این دستور کلی بوده باشد .
از ستر
قایل توجه جناب آقای نخست وزیر
با اینکه تاکنون راجع به مطالبات شونای شرقی قانونی خود از دارائی آگاه شده سفر سکه اسنادت نیز آن دارائی ارتش بود اسنادت است شکایات مستندی به نام مناقشات ملایحیت باز نمود و از طریق جرایم نیز برای وصول آن به اعلی مرتجع نظم متحمل شده است تاکنون نتیجه نگرفته . آخرین مرتجع در شخص جناب آقای نصفت وزیر و توجه خاص ایشان به فرادهای مظلومان دانسته بدین وسیله استدعا حضرت تلفت و مدور دستور رسیدگی و پرداخت مطالبات را به دارائی ارتش از حضرت مشرفه دارم

تفریح و تفریهای عرفانی

تفریح در سرحد ایران
بینه از سنده اول
مذمبات و تصبیاتی که دولت عراق اعطاء نموده است مطمئنا که ملامضی نمی برد
نواحه تفریحی وارد خاک عراق شود و نواهی عراق تفریحی میروند و مسلح میباشند که قادرند فرارطلب و دادهای را با - نامه درین تکون عاری باشند .
شیرکانرودان ایران غیر از این امرنامه کرده است که اکثری و فته رفته رفی های کوهستان های کردستان ذوب می شوند و بالین تر کباب حتمال می رود و قنایع قابل ملاحظه ای در این قسمت روی دهد

اظهار رضایت از مذهب دینستان
مقام مسعود وزارت فرهنگ - رونوشت نامه متفکر کوهستان
مقتضی این جایان امضا شدند که زیر اظرف کلیه مالکین و کشاورزان دستانادینو بدین وسیله امر پذیردندستند کامل خود از احوالات طاقت فرسا رسن کار آقای تالی حضرتی مدیر و آموزگار دستان دولتی شیر خان دینو که مدت دو سالست با وجه بی نظیری در این دستان بشریت و تعلیم نیوانوگان اطفال اشتغال دارند ضمن تفریباتی و تشکر از مقام و فرهنگ که نامشیران دستان نامبرده و سایر آموزگاران نیز جوانان را که اولین مرتبه و تعلیم هدافه و مجال نامی و توابع کلیه کشور هستند فراهم سازند تا پیش از این با روح خشکی ناپذیری که از خناسی نظری آناست در انجام این وظیفه مقدس یادگرمی کوشا باشند .

اصاری - فکری - صدیق فکری - خلیل پرویز - فیض الله کبابی - عبدالرحمن - حسین مصطفی ملای - کریم حدیق بنوری
کوهستان - بطوری که کسب اطلاع شده وزارت بهداری دستوری کلی بنامه دستور صاحبان بود که رؤسای بهداری شهرستانها حاضرا باید از دکتراهی دیله باشند . شاید بعد تغییر آقای حبیبزاده هم در اثر اجرائی این دستور کلی بوده باشد .
از ستر
قایل توجه جناب آقای نخست وزیر
با اینکه تاکنون راجع به مطالبات شونای شرقی قانونی خود از دارائی آگاه شده سفر سکه اسنادت نیز آن دارائی ارتش بود اسنادت است شکایات مستندی به نام مناقشات ملایحیت باز نمود و از طریق جرایم نیز برای وصول آن به اعلی مرتجع نظم متحمل شده است تاکنون نتیجه نگرفته . آخرین مرتجع در شخص جناب آقای نصفت وزیر و توجه خاص ایشان به فرادهای مظلومان دانسته بدین وسیله استدعا حضرت تلفت و مدور دستور رسیدگی و پرداخت مطالبات را به دارائی ارتش از حضرت مشرفه دارم

اصاری - فکری - صدیق فکری - خلیل پرویز - فیض الله کبابی - عبدالرحمن - حسین مصطفی ملای - کریم حدیق بنوری
کوهستان - بطوری که کسب اطلاع شده وزارت بهداری دستوری کلی بنامه دستور صاحبان بود که رؤسای بهداری شهرستانها حاضرا باید از دکتراهی دیله باشند . شاید بعد تغییر آقای حبیبزاده هم در اثر اجرائی این دستور کلی بوده باشد .
از ستر
قایل توجه جناب آقای نخست وزیر
با اینکه تاکنون راجع به مطالبات شونای شرقی قانونی خود از دارائی آگاه شده سفر سکه اسنادت نیز آن دارائی ارتش بود اسنادت است شکایات مستندی به نام مناقشات ملایحیت باز نمود و از طریق جرایم نیز برای وصول آن به اعلی مرتجع نظم متحمل شده است تاکنون نتیجه نگرفته . آخرین مرتجع در شخص جناب آقای نصفت وزیر و توجه خاص ایشان به فرادهای مظلومان دانسته بدین وسیله استدعا حضرت تلفت و مدور دستور رسیدگی و پرداخت مطالبات را به دارائی ارتش از حضرت مشرفه دارم

بیچاره و ایامیل ندم
مقام محترم جناب آقای نخست وزیر
و نوشت وزارت امور خارجه و نمایان آقای آصف و خان قاضی رو نوشت روزنامه کوهستان فدوی علی جوهری تاکنون زندانی ملازمک تمام توقیف محض و شایع است بدین وضعیت و اصر و مقرر فرمایند بیشتر از این بیچاره و یاساقل شوم . نه خاکی دارم که گناهی غیر از اینکه به خاکی مبارک انگشت هر چه نگارم فدای استغای پلای تو به نامم
و یسی ایل گورکستر علی جوهری از کرمانشاه آقای نصفت وزیر محرب ایرات

دنیای ایران در هفته نهم

بینه از سلحه ۲
آنجیه مسلم است که بسوروازی بریتانیا چه کایه کارگر چه محافظه کار و برین عنوان و ماسکی که باشد حاضر نیست سر سوزنی به منتهای کینه کند و دست آنها را در اداره امور کشور بپهارد خود آزاد کرده است . ازووی که درلرین وزیر هندوستان و اسرائلسا در وزیر درباری و سرانستادگر گریس وارد عملی شده اند تقریبا یکباره می گردود در این مدت سزایبان انتخاب کنراس میزگرد (راهه) که در سلوه و نوبالیکه ظاهرا در ابتدا نظر دیگری داشته بود در انتها نتیجه دیگری گرفتار شد
حکومت کارگری بریتانیا اشرتیه می خواهد هندوستان و در منطقه نین و بر کند و با پاکستان و منطقه نین و بر واخست که بدین ترتیب طرف بیشتری بری خودتبه خواهد کرد و صورت ظاهر پاک استقلال یوشالی بنده شده است و لی این طرح مورد موافقت نشد زیرا معلوم بود در زیر کمال چه نیم کاه نهفته شده بود ۱۱
در هرحال با اینکه مذاکره موقتا غناغه یافته است گویا دوباره مروج خواهد گرد و ازینهم هم معلوم نیست نتیجه مثبت گرفته شود . ولی باید بنده ای ادبخواهان اسیر هندی که عین ملامت

متدشینه ازووی - هندوستانی که بر علیه قاضیس در دیوارمعه دیده و آب بر علیه اصول پرورسی و برای خویشی دنیا سالها جنگنده است و از استراتژی ترسم و تخریب و اینکه ازادی و استقلال فدوی منتزاست توجه نمود چون این عملی تفریح نیابان کلمت عظیم واسیرات

فردک ایران
کسبته از هواکنار بزرگان
۱۵۰ در مسعود ۱۵۰ موضوع مهم زندگی شا را بصنحیت و مشاوت با بزرگان شرق و غرب مشغول میسازد
تهران همه کجا فروشیها

رو نوشت وزیر دادگستری رو نوشت کیهان رو نوشت کوهستان
مقتضی این جایان امضا شدند که زیر اظرف کلیه مالکین و کشاورزان دستانادینو بدین وسیله امر پذیردندستند کامل خود از احوالات طاقت فرسا رسن کار آقای تالی حضرتی مدیر و آموزگار دستان دولتی شیر خان دینو که مدت دو سالست با وجه بی نظیری در این دستان بشریت و تعلیم نیوانوگان اطفال اشتغال دارند ضمن تفریباتی و تشکر از مقام و فرهنگ که نامشیران دستان نامبرده و سایر آموزگاران نیز جوانان را که اولین مرتبه و تعلیم هدافه و مجال نامی و توابع کلیه کشور هستند فراهم سازند تا پیش از این با روح خشکی ناپذیری که از خناسی نظری آناست در انجام این وظیفه مقدس یادگرمی کوشا باشند .
اصاری - فکری - صدیق فکری - خلیل پرویز - فیض الله کبابی - عبدالرحمن - حسین مصطفی ملای - کریم حدیق بنوری
کوهستان - بطوری که کسب اطلاع شده وزارت بهداری دستوری کلی بنامه دستور صاحبان بود که رؤسای بهداری شهرستانها حاضرا باید از دکتراهی دیله باشند . شاید بعد تغییر آقای حبیبزاده هم در اثر اجرائی این دستور کلی بوده باشد .
از ستر
قایل توجه جناب آقای نخست وزیر
با اینکه تاکنون راجع به مطالبات شونای شرقی قانونی خود از دارائی آگاه شده سفر سکه اسنادت نیز آن دارائی ارتش بود اسنادت است شکایات مستندی به نام مناقشات ملایحیت باز نمود و از طریق جرایم نیز برای وصول آن به اعلی مرتجع نظم متحمل شده است تاکنون نتیجه نگرفته . آخرین مرتجع در شخص جناب آقای نصفت وزیر و توجه خاص ایشان به فرادهای مظلومان دانسته بدین وسیله استدعا حضرت تلفت و مدور دستور رسیدگی و پرداخت مطالبات را به دارائی ارتش از حضرت مشرفه دارم

گوهرستان

انتخابات آرای ت امینان - ۲ -

خلاصه از کتاب مه‌بین

یکی از اروپاییان باوینیان (سکه) قدیم امریکا) صمیمت میکرد که چون لها از دست مهاجرین اروپایی این همه حیرت میکشید. بهتر است بسنگت دیگر جهت فوت کند و توانست عشق او را ببلند اهداد شود چطور بگویم که بر سرخیزد با ماهمراه و یارینه و رنگ فریهمایرت کنیم.

بوسین مودج مشهور در سیاست نامه خود نوشته است (گولا کرست) ساحل ملا در افریقا با اندازه هاشق آب و خاک خود هشتاد که اگر یکی از آن در خارج فوت کند و توانست عشق او را ببلند شود یارینه الا سر پادست بالاخره یکمکنه میماند متوفی را آورده و با احترام تمام در قبرستان میستان دفن می کنند؛ اهالی جزیره جاره چندان بر طبع علاقه ندارند که باهیج پهلای مسکن میسر آید و آن را از قبر بزرگانستان دور و محروم ساخت.

اسکیبوا ساکن نواحی فنیکی که زهد مشاهد بود در خانیای تاریک باغی مدعی گلی میگفت و دلایلش اینهاست: آنان گوشت خرس ظنی است موقیبعی می خوردند از بسکه مرتفی اروپا برده بودند همیشه برای حمل و مو له خود در سوژ و گداز بودند.

زنی عرب همراه یکسفر با کنگلستان رفت پس از چند سال بازنای تاریک باغی دیدن زندگی و تملکات لندن پرسیدان بر گشت و مردان و زنان طایفه از احوال می پرسیدند: زن میگفت لندن بیشتر دوری زمین است مردم آنی خود بخوبی نیستند مردم جهان اند و ملی غلبه صورتی باین همه هست و عوخی از درخت خرما محروم اند در صورتیکه خاک ماین نست با بدانی را می بردند: پس از این سخن همه حسد و غیبه اهرب بریدند و لدوروی بر سر طرفه انگلیس میگردید که از کست داشتن فرخ خرما محروم اند.

سکه باه و داداری چون پاس افانت در وطن را نکه میدارد و برای لغه نان بدین هر کسی و نا کس ترک خاندانیشاید: بدین لحاظ جیس کرده باوینیان قدیم مردمان بی فرهنگ و اولو عقلی فاسق و دانشنده ضایع و لااورد بودند باصلی قبول نمیکردند و از آن متنفر بودند اگر چه این نصیب اندازده خارج از حد اصناف است ولی خود متعاقبان با و خاک نودجا با و درواست و این همه اصناف پس زیبا است: اهالی جیه من دنیا و وحی و نطق خود را از نژاد آسمان می شانند منیع مناعت ملی و حیوین میباشد که سابق است ملکت جیه را از دنیترید اجاب بطور کلی مغرور داشته و همین وحشت نکر است که مدتها است اروپا و امریکا را باص (عقل زوم) ستا در

بشوی و اضطراب نگه داشته: میادا اینمکت بی حد مفسر شد فریادار کفته و با اسامه اعلام نمود خود مغرظ نشی برای مفرز زمینان تولیده نمانید: نیه دارد

از بیچار

در جواب ناله گروس

آقای ملایر محترم گوهرستان

دردشاره ۴۷ آن نامه گرامی شرمی تحت عنوان نامه گروس درج و نسبت اختلافات طرانی و وجود انکار رلاف مصلحت و نازرو یکی سکه این له داده شده و روح گروس آن سر بیزار وی غیراست و در تمام خاک گروس ام آشر و دعوات مرکز اثریت و ایشیت وحشی یکسفر هم نتوان پیاندود که در این باب با نویسنده مقاله مزبور ولی فکر و هم معیده باشد. کاشیکه مصلحت از اجتنابیه و مسامع همی دیگران را از بی گداره، تحت الامع نظریات شمس و شخصی غشود قرار میدهند هر گاه برای اثبات صحت و سقم گفتار خود پایبند کسب استیضاح کنید: خود مغرورتر جیه که سخطانین شود این شخصی مکتوب من: تو است و دوجاب که سکه که بوجود آمده فکر راهرو یانی است شخصی بخندار را نشان دهه که در اواسط صلیفه و مرفره اورا خدمت قریب نماید گروس بیخوش غورش خدمت ما جیه جو در آذربایجان بیوسته بدیده لغت و اجزای می نگرد و جیوطف فکارت نیست تحت تاثیر اسکیبوه تلیثت واقع شده و جهانی هم در جیه نیست که کسی چنین خیالات نالی رشد و صلاح را بنظر خود زده بنده. زیرا که میباید که عدول و حسب مأمورین دولت تابع حسبیات وزارتخانه است و بیرو نیامیل و کلاوس فرض اینکه این تصور بیخوبیت آنچه اهما بدست مرقون باصمام که زسامه کارلستان ادارات دولتی و بو طایف قانونی خود آشنا بوده و خدمت از آن حاصل سکه ملیه و وزارت است چه جای شکایتی از آن بانی میانه و...

گوهرستان - این بود خلاصه از یک نامه منصف که باصضای گفتار گروس در یافت کرده: در آنجا که میدانیم کلمات حساسی که در این مورد عودت قرار گرفت رطه طایفه ای گروس نیست و جلازه جیهیت را اصلا که نگردان و روزنامه نوی شتافت بخلاصه ما کنگلستان چاپ میبود اما کجی اجترانی با اظهارات آن بانی باشد بنما چنین درج نامیم: اینکه اسامی اسامه کنگلستان میجی اوردی: - منده خداداد - مسد امیرانی - حاج اجبرانی - تراپی - من بروزی - بداله دادوی - اسما گری - مسد درانی - مسد داوود پور - عبدالعین - شیکاری - حاجی شرمی - ناسر شاهی - مسد اوچندی - مسد نجیب - علی الهی. هادی - طایفه - رخا گری - باشر طهباسی

آرپوان بسکاله دانله - ۲۰۰ ریال خارجه - ۲۵۰ ریال تک فرضی داخله ۴ ریال خارجه ۵ ریال

جای اداره خیابان فردوسی روبروی بانک ملی تلفن ۲۶۷۷

بقلم خون دل از سقز

نظری بر واقعه اخیر سقز در مهاباد با سر بزاز امیر چه میکند

سنوی از هک ۲۷ مرکز ۴ هر - تأسیس هم برای نگارنده هم برای نوشته ها معترم نتیجه ای ندارد همان روز شیرمان را در دیم که از طرف مسابری مأمور ستاد ارتش برای بدست آوردن اطلاعاتی با زبانه اخبار آمده بود و تصادفا در آنجا استمکنه و بازداشت شده و بعد آزاد گردیده بود، از آنجا را خود دیده بود برای برگشت خسرو مغرب روز ۲۵/۶/۲۵ با ماشین چنه نفر اسیر را که از سر بزاز گرفته شده بود مهاباد آوردند - فوراً دستور استصاح آنها داده شد چنه نفر زخمی و بسیار که همراه داشته فوراً تحت معالجه قرار گرتند در بیمارستان مخصوص خوانده شده نامه لسانی از آنان را نوشتند و کدره و بهر یک بحدت لیس جدا گانه دادند.

فردا آردوز از طرف تاجیک مسد آنان را احضار نمود پس از تجمیع و نوازش بدانه با آنها احتیاجان دادند که بعضی اینکه رفتنشان بدو حاصل گتند با ماشین از طریق مهاباد مهابان راهرو مهاباد رفتند: هم و ناپروسیها کالی و در اختیار آنها گذارنده دستور قبول حاص و لسانی آنها داده شد و بزورگی ده ریال مغروری برای هر یک از آنان سید خسروی مکت فضلا اسرا در مهاباد در نهایت درستی و آسایش زندگی است و منتظر بفرود یافتن بسیار میباشند خسرو اظهار می داشت که یکی از سر بزازان را ملاقات کردم از او خبریان از سر بزاز گرفته و ۲۴ نفر مغرور با چند تنه تک و مسلسل مشرف به دویم کنگه سواری پیدا شد با مشرف به با روی آورد مغرور بطرف ارتش: از سوی خود امانت او پیش آمده اما ناچار تسلیم بودیم او ما را اسیر کرد و اسفند ما را هم به قیبت برد.

روزنامه ستاره غرب

روزنامه ستاره غرب روزنامه است سیاسی - اقتصادی - اجتماعی - علمی - ادبی کلماتی. روزنامه ستاره غرب بستگی بهیج حزب و دست ندارد و مرام آن غنمد برکنه همی و مجامعه در راه تکمیل مینای بشریت و نمو کرامت آنستلال باصضای اجراء است و صدف آن تویر انکار همی و فریضت سیاسی است. روزنامه ستاره غرب مکتب سیاسی است که فضاال وقتش منظور را بطرز بیعی در دسترس ملت نشاند میگذارد و زودتی میگذارد - ۳ -

وهاب بیلیان - غلامرضا نیلانی - اوسد بلوری - محمد علی منبانی - لایلی فانی - ابوالشیر سلحانی - اوسط بلوری - محمد تقی

منبانی - لاسلانی فانی - ابوالشیر سلحانی - اوسط کلبلی - علی مهدوی - احمد علی - وحید امینای لایله